

به نام پروردگار مهربان



آراییه های ادبی

دهم | یازدهم | دوازدهم

حمزه نصراللهی



لقمه طلایه



مهروماه

ویژگی‌های استثنایی و شگفت‌انگیز این کتاب:

- آموزش حرفه‌ای و تصویری آرایه‌های ادبی به ساده‌ترین و بنیادی‌ترین شکل ممکن!
- مثال‌ها و نمونه‌هایی که تو آموزش تصویری هر آرایه، توی ذهن، ثبت و موندگار می‌شن!
- تصویرهای متناسب با هر مثال یا نمونه که باعث تثبیت آموخته‌ها و تقویت حافظه تصویری می‌شه!
- مثال‌های متعدّد و متنوع از داخل و خارج کتابای درسی برای هر آرایه!
- فهرست‌های جامع و کاربردی! شامل: «فهرست تمام واژه‌های چندمعنایی که جناس تام، ایهام یا ایهام تناسب می‌سازن! فهرست مهم‌ترین و رایج‌ترین کنایه‌ها، اضافه‌های تشبیهی، اضافه‌های استعاری، ترکیب‌های دارای حس آمیزی و متناقض‌نما و...»!
- نکته‌های خاصّ کنکوری که لابه‌لای متن درس‌نامه‌ها اومده!
- نکته‌های خاصّ و استثنایی مربوط به تفاوت‌های اساسی بعضی آرایه‌ها مثلاً «حسن تعلیل و اسلوب معادله»، «اسلوب معادله و ضرب‌المثل»، «ایهام و ایهام تناسب»، «اضافه تشبیهی و اضافه استعاری» و... که معمولاً توی تشخیص دادنشون از هم‌دیگه دچار اشتباه می‌شی!
- تیپ‌شناسی کاملاً دقیق و علمی سوآلای آرایه تو آزمونای سراسری، آزمایشی و... همراه باشگردهای پاسخ به سوآلای هر تیپ!
- نمونه سوآلای آرایه از سال ۸۳ تا ۹۸ با پاسخ تشریحی که تو دو دسته جدا تفکیک شدن: ۱. سوآلات تک‌آرایه‌ای که پایان هر درس اومده؛ ۲. سوآلات ترکیبی (چندآرایه‌ای) - که ته کتاب قرار گرفته؛ و...

چه طور بخونی؟

■ قبل از خواندن مطالب درس نامه، به تیپ‌های اصلی سؤالی آرایه نگا کن تا اولاً متوجه بشی که تو آزمونا با چه تیپ سؤالی سروکار داری.

■ آموزش آرایه‌ها و چیدمانشون بر اساس زنجیره ارتباطیشونه! یعنی مثلاً بین «تشبیه، استعاره مصرّحه، استعاره مکنیه، تشخیص و مجاز» همچین رابطه‌ای برقراره و لازمه یادگرفتن یکی، یادگرفتن آرایه قبلیه. همین‌طوره بین «تضاد و متناقض‌نما» یا بین «حسن تعلیل و اسلوب معادله» و...

■ نمونه‌هایی که برا هر آرایه و ته هر درس اومدن، بعضیاشون نمونه‌های کتابای درسی و آدرس دارن (مثلاً «۱/۲» یعنی فارسی ۲ درس ۱) و بعضی دیگه نمونه‌های خارج کتابن و بی‌آدرس. روی تک‌تکشون وقت بذار! چون دقیق خوندنشون قدرت تجزیه و تحلیلت رو تو موشکافی بیت‌ها و تشخیص دادن آرایه‌هاشون به شدت بالا می‌بره.

به فهرست‌هایی که برا بعضی آرایه‌ها اومدن مث فهرست واژه‌هایی که جناس تام، ایهام، یا ایهام تناسب می‌سازن، فهرست کنایه‌ها، فهرست اضافه‌های تشبیهی و استعاری و... خیلی خیلی اهمیت بده. اگه دقیق بخونیشون که دیگه بیا و بین! از پس هر بیتی برمیای.

■ بعد از خواندن مطالب هر درس هم، می‌تونی با نمونه تستای تک‌آرایه‌ای (تست‌هایی که توی اونا فقط یه آرایه سؤال می‌شه) آموخته‌هاتو بسنجی!

■ بعد از خواندن تمام مطالب، نوبت به تستای ترکیبی (چندآرایه‌ای) ته کتاب می‌رسه. اون‌جا می‌تونی با استفاده از همه آموخته‌هات خودتو محک بزنی. راه‌های میان‌بری که تو جواب دادن به این سؤالا اومده، راه و چاره‌های استثنایی و

منحصر به فرد تو جواب دادن به تیپ‌های مختلف سوآلای آرایه هستن. با خوندن این «راه میان‌بر»ها مهارتت تو تشخیص گزینه درست به شکل عجیب و باورنکردنی تقویت می‌شه و سر جلسه آزمون از همه رقیبات جلو می‌افتی و به گرتتم نمی‌رسن.

■ تستای کنکور سراسری ۹۶، ۹۷ و ۹۸ هم که بعد از تستای ترکیبی اومده، حکم آزمونای جامع آرایه رو دارن و یه خودآزمایی خیلی خوب به حساب میان تا ببینی که بعد از خوندن مطالب، حالا چند مرده حلاجی.

تشکر ویژه...

لازم می‌دانم از صمیم دل از همه عزیزانی که در تدوین و آماده‌سازی این کتاب یاری‌ام کردند قدردانی کنم؛ به ویژه از:

■ مدیر محترم انتشارات مهر و ماه جناب آقای احمد اختیاری که تألیف و چاپ کتاب، مرهون حسن نظریاری‌های ارزنده و سازنده ایشان است!

■ دوست گرامی جناب آقای محمد هژبری، تصویرگر هنرمند و توانا که موضوعات مورد نظر را با اشتیاق و در زمانی اندک به تصویر کشیدند!

■ سرکار خانم زهرا خوشنود مسئول محترم این پروژه که یاری‌های صمیمانه‌شان در تمامی مراحل تدوین و آماده‌سازی این اثر، ستودنی و البته جبران‌ناپذیر است!

■ دوست عزیز و صاحب ذوق جناب آقای امیر حسین حیدری که در ویراستاری این اثر، یاری‌گر ما بودند!

■ دوست عزیزم جناب آقای محسن فرهادی، مدیر هنری انتشارات!

■ سرکار خانم سمیرا سیاوشی، مدیر محترم واحد تولید انتشارات! از خداوند متعال برای تمامی این عزیزان سلامتی و بهروزی خواستارم.

سربلند و پیروز باشید

حمزه نصراللهی

hamzeh.nasrollahi@gmail.com

فهرست

- ۸ تیپ‌شناسی سوالات کنکور
- ۱۳ مقدمات
- ۲۷ بیان
- ۱۱۱ بدیع (آرایه‌های لفظی)
- ۱۴۳ بدیع (آرایه‌های معنوی)
- ۲۷۵ تست‌های ترکیبی
- ۲۸۵ کنکور ۹۶-۹۷-۹۸
- ۲۹۳ پاسخ‌نامه تشریحی

بخش اول

مقدمات

• آشنایی با چند اصطلاح

• قالب‌های شعری

۱۴

۱۸

ردیف

■ واژه یا واژه‌هایی است که در پایان مصراع‌ها و ابیات و پس از واژه‌های قافیه، به صورت مستقل و عیناً در یک معنی خاص تکرار می‌شود. **»** توی همین شعر «سعدی» که اول درس خوندی، «می‌رود» تو آخر مصراع اول و همه مصراع‌های زوج، عیناً به یه معنا تکرار شده و ردیف به حساب میاد.

⚠ توجه: ردیف ممکن است یک یا چند واژه و یا حتی یک جمله باشد.

قافیه

■ واژه یا واژه‌هایی است که در پایان مصراع‌ها و ابیات و قبل از ردیف می‌آید و حرف یا حروف پایانی همه آن‌ها مشترک است. به حروف مشترک آن‌ها هم «حروف قافیه» می‌گویند.

❖ نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد
عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

» «خواهد شد» ردیف، «مشک‌فشان، جوان» واژه‌های قافیه و «ان» هم حروف مشترک قافیه‌ست.

⚠ توجه: گاه یک شعر ردیف ندارد؛ در این صورت ← آخرین واژه مصراع‌ها یا ابیات که حروف پایانی‌شان مشترک باشد، «قافیه» است.

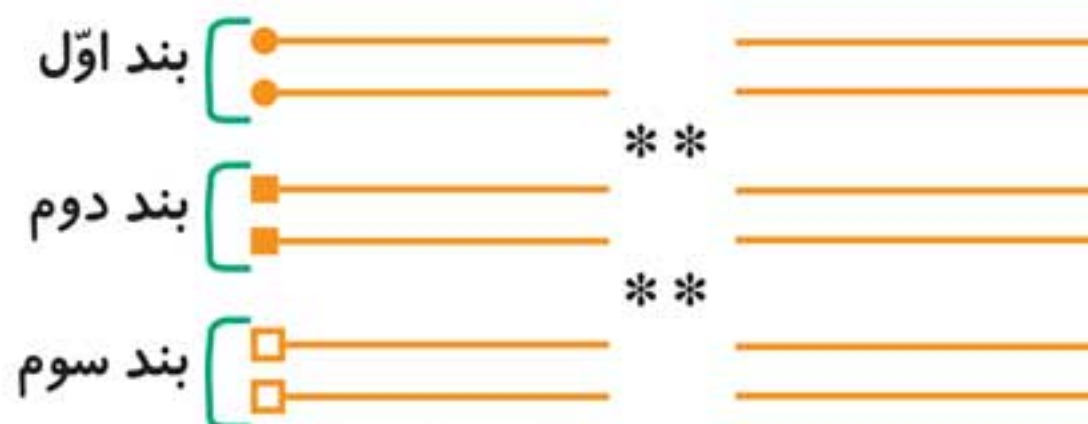
❖ عشق او باز اندر آوردم به بند کوشش بسیار نامد سودمند
عشق، دریایی کرانه‌ناپدید کی توان کردن شنا ای هوشمند؟!
عشق را خواهی که تا پایان بری بس که بپسندید باید ناپسند ...

» این شعر ردیف ندارد و واژه‌های «بند، سودمند، هوشمند، ناپسند و ...» قافیه‌های شعر هستند.

چوک ز شاخ درخت، خویشتن **آویخته**
 زاغ سیه بر دو بال، غایبه **آمیخته**
 ابر بهاری ز دور، اسب **برانگیخته**
 وز سُم اسب سیاه، لؤلؤ تر **ریخته**
 در دهن لاله باد، ریخته و **بیخته**
 بیخته مشک سیاه، ریخته **دُرّ ثمین** ...

چهارپاره (دوبیتی‌های پیوسته)

■ شعری است که از چند بند هم‌وزن و هم‌آهنگ با قافیه‌های متفاوت تشکیل می‌شود. هر بند آن شامل چهار مصراع است و اغلب، مصراع‌های زوج آن هم‌قافیه‌اند؛ **در واقع** ← چهارپاره، مجموعه‌ای از دوبیتی‌های به هم پیوسته است که هر کدام، قافیه‌ای جداگانه دارند. **نمودار چهارپاره:**



■ چهارپاره ← بیشتر برای طرح مضامین اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود؛ **ضمن اینکه** ← رواج آن از دوره مشروطه بوده و تا کنون ادامه یافته است.

■ **چهارپاره‌سرایان مشهور در ادبیات ایران** ← ملک‌الشعرای بهار، فریدون توللی، فریدون مشیری، مهدی حمیدی شیرازی

یک «چهارپاره» از حمیدی شیرازی

نهان می‌گشت پشت کوهساران	به مغرب، سینه‌مالان قرص خورشید
به روی نیزه‌ها و نیزه‌داران	فرو می‌ریخت گردی زعفران‌رنگ
به سان گوی خون‌آلود، سرها	ز سَم اسب می‌چرخید بر خاک
پیاپی دست‌ها دور از سپرها	ز برق تیغ می‌افتاد در دشت
به زیر دامن شب در سیاهی	نهان می‌گشت روی روشن روز
فروغ خرگه خوارزمشاهی ...	در آن تاریک شب می‌گشت پنهان

بخش دوم

بیان

- بیان / آرایه‌های ادبی ۲۸
- تشبیه (تشبیه گسترده - تشبیه بلیغ) ۲۹
- استعاره (مصرّحه - مکنّیه) ۴۸
- تشخیص ۶۷
- مجاز ۷۴
- کنایه ۹۰

تشبیه

ادّعای همانندی میان دو یا چند چیز
و یا دو یا چند کس!

■ «تشبیه» ادّعای همانندی (شباهت) میان دو یا چند چیز یا دو یا چند کس است؛ در واقع در تشبیه گوینده دو یا چند چیز و یا دو یا چند کس را به خاطر ویژگی‌های مشترکی که دارند، شبیه هم می‌داند.

مثال

خورشید هم چون گلِ آفتابگردان می‌درخشد.



◀ در این عبارت، «خورشید» به «گلِ آفتابگردان» تشبیه شده.

» یعنی شاعر معتقد است که درخشیدن «خورشید» زردرنگ توی آسمون، عین درخشیدن «گلِ آفتابگردون» زرد و طلایی توی سبزه‌هاست.

ارکان (پایه‌های) تشبیه

■ هر تشبیه دارای چهار رکن (پایه) است:

مشبّه: چیزی یا کسی است که قصدِ مانند کردن آن را داریم.

مشبّه‌به: چیزی یا کسی است که «مشبّه» به آن مانند می‌شود.

وجه‌شبه: ویژگی یا ویژگی‌های مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است.

ادات تشبیه: واژه‌ای است که نشان‌دهنده پیوند شباهت است.



مثال

نَبسته‌ام به کس دل، نبسته کس به من دل **چو** تخته پاره بر موج، **رها رها رها** من

◀ **مشبه:** من / **مشبه‌به:** تخته پاره / **وجه شبه:** رها بودن / **ادات تشبیه:** چو



🗣 **بیت،** وصف حال این بنده خداست که تو تصویر می‌بینی. به خاطر این که به کسی وابسته نیست و از هر تعلقی خاطری رهاست، به یه «تخته پاره» تشبیه شده که رهای رها روی آب شناوره.

مهم‌ترین ادات تشبیه

چو، چون، هم‌چو، هم‌چون، چونان، چنان، هم‌چنان، مثل، عین، به کردار، به منزله، به گونه، به شکل، به سان، بر سان، در هیئت (شکل)، واژه‌های «گوی، گویا، گویا، انگار، پنداری» (در صورتی که معنای شباهت را برسانند)، ماند، مانستی (از مصدر «ماندن» و «مانستن» به معنی «شبهه بودن»)، پسوندهای شباهت از جمله «گون، گونه، وار، وش، صفت، سا، آسا» (به ترتیب در واژه‌هایی مثل «سرخ‌گون، ترگونه، علی‌وار، مه‌وش، گرگ‌صفت، مه‌سا، غول‌آسا» و ...)

🗨 **نکته:** «چو» و «چون» فقط وقتی به معنی «مثل» و «مانند» باشند و مفهوم شباهت را برسانند، حروف اضافه و از ادات تشبیه به حساب می‌آیند در غیر این صورت ← ادات تشبیه نیستند و نقش‌های متفاوت دیگری دارند؛ از جمله:

① حرف ربط به معنی ← هنگامی که، وقتی که

☀ **چو** عاشق می‌شدم، گفتم که بردم گوهر مقصود

ندانستم که این دریا چه موج خون‌فشان دارد!

☀️ گفتار صدق مایه آزار می‌شود

چون حرف حق بلند شود، دار می‌شود

② قید پرسش به معنی چگونه، چه طور، چرا

☀️ چون است حال بستان؟ ای باد نوبهاری!

کز بلبان برآمد فریاد بی‌قراری

■ در یک تشبیه، «مشبه» و «مشبه‌به» را طرفین تشبیه می‌نامند زیرا ← اغلب، در تشبیه‌ها حضور دارند اقلاً ← «ادات تشبیه» و «وجه‌شبه» می‌توانند حذف شوند.

☀️ دانش هم چون چراغ است. (وجه شبه، محذوف است.)

☀️ دانش، چراغی است روشن و روشنگر. (ادات تشبیه، محذوف است.)

☀️ دانش، چراغ است. (وجه شبه و ادات تشبیه محذوف است.)

■ مهم‌ترین پایه تشبیه ← مشبه‌به زیرا ← وجه‌شبه باید در «مشبه‌به» قوی‌تر باشد تا «مشبه» به آن مانند شود.

💬 پس برا فهمیدن یه تشبیه، باید بری سر وقت مشبه‌بش و وجه‌شبه رواز اون استنباط کنی.

🗨️ **نکته:** در تشبیه، اگر «مشبه» نهاد محذوف باشد، از شناسه فعل

(یا همان نهاد اجباری جمله) درک و دریافت می‌شود؛ در غیر این صورت ←

اگر شناسه فعل هم در جمله نبود (مثل فعل‌های ماضی سوم شخص

«رفت، گفت و ...» یا فعل امر و نهی دوم شخص مفرد «برو، نرو و ...»)

← نبودن «مشبه» مشکلی در تشبیه به وجود نمی‌آورد و ضمیری که به آن

فعل برمی‌گردد، «مشبه محذوف» به حساب می‌آید.

☀️ بدین زور و زر دنیا چو بی‌عقلان مشو غره

که این آن نوبهاری نیست کِش بی‌مهرگان بینی

◀ عبارت «چو بی‌عقلان مشو غره» یعنی «تو مثل بی‌عقل‌ها غره نشو»؛ پس ←

مشبه: — (محذوف = تو) / مشبه‌به: بی‌عقلان / وجه‌شبه: غره (فریفته)

شدن / ادات تشبیه: چو



نکته: گاه، ارکان تشبیه به صورت نامنظم و یا جابه‌جا در جمله قرار می‌گیرند؛ **بنابراین** ← برای تشخیص دادن ارکان تشبیه، باید اجزای جمله را به صورت درست مرتب کرد.

❖ سرکش مشو که چون شمع، از غیرت بسوزد

دلبر که در کف او **موم است سنگ خارا**

◀ در این بیت، دو تشبیه به کار رفته؛ **»** به این شکل:

① مصراع اول ← دلبر از سر غیرت، «تو» (= ت) را چون «شمع» می‌سوزد
(یعنی «تو» چون «شمع» می‌سوزی).

② مصراع دوم ← «سنگ خارا» در کف او، «موم» است.

◀ در تشبیه دوم، اول «موم» (مشبه‌به) و سپس، «سنگ خارا» (مشبه) آمده **درحالی‌که** ← ترتیب درست اجزای بیت به این صورت است: «سرکش مشو؛ که (زیرا که) دلبر که سنگ خارا در کف او [چون] موم است، از غیرت، تو (=ت) را بسوزد.»

انواع تشبیه از نظر ارکان (پایه‌ها)

■ تشبیهی است که سه یا چهار رکن دارد؛ **»** به عبارتی ← یا همه ارکان آن (مشبه، مشبه‌به، وجه‌شبهه، ادات تشبیه) حضور دارد و یا یکی از ارکان غیراصلی آن (وجه‌شبهه یا ادات تشبیه) حذف می‌شود.

❖ **ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد**

ساقی! به دور **باده گلگون** شتاب کن

◀ این بیت، دو «تشبیه گسترده» دارد:

① ایام گل چو عمر به رفتن شتاب کرد ← مشبه: ایام گل / مشبه‌به:

عمر / وجه‌شبهه: به رفتن شتاب کرد / ادات تشبیه: چو

② **باده گلگون** ← مشبه: باده / مشبه‌به: گل / وجه‌شبهه: -

[= سرخی] / ادات تشبیه: گون

تشبیه کامل (گسترده)

همون جور که می بینی، توی تشبیه اول، تمامی ارکان وجود دارن اما توی تشبیه دوم، وجه شبه حذف شده.

- تشبیهی است که «وجه شبه» و «ادات تشبیه» آن حذف شود و تنها مشبّه و مشبّه به باقی بماند.
- بر ۲ نوع است ← ① بلیغ اسنادی (غیر ترکیبی)
② بلیغ اضافی (ترکیبی)

تشبیه بلیغ
(فشرده)

تشبیه بلیغ اسنادی (غیر ترکیبی)

■ در این تشبیه، «مشبّه به» (در قالب یک گزاره) به «مشبّه» (که نهاد جمله است) اسناد داده می شود؛ پس ساختار کلی این تشبیه بر اساس الگوی «X, Y است» می باشد. مثلاً «دانش، چراغ است» یه تشبیه بلیغ اسنادیه ^{که در اصل این جوری بوده} «دانش هم چون چراغ، روشنگر است»؛ اما همون جور که می بینی، وجه شبه و ادات تشبیهش حذف شدن و مشبّه به (چراغ) با فعل اسنادی «است» به مشبّه (دانش) نسبت داده شده.

نکته: فعل های «است، بود، شد، گشت و گردید (= شد)» و تمام فعل هایی که از این مصدرها مشتق می شوند مثل «می باشد، می شود، می گردد (= می شود)، هستم، هستیم و ...» فعل اسنادی اند که در یک تشبیه بلیغ اسنادی، «مشبّه به» با این فعل ها به «مشبّه» نسبت داده می شود.

حالا به این مثال نگاه کن؛ بین این عاشق بنده خدا چه جور داره مَثِ یه شمع، آب می شه:

مثال

شمعیم و خوانده ایم خطِ سرنوشت خویش
ما را برای سوز و گداز آفریده اند

جمله «شمعیم = شمع هستیم» یه تشبیه بلیغ اسنادی یا غیر ترکیبی که در اصل، این جوری بوده: «هم چون شمع سوزان و گدازان هستیم». مشبّه:



[ما] / مشبّه به: شمع / وجه شبهه: محذوف
(سوزان و گدازان بودن) / ادات تشبیه:
محذوف. شناسه «یم» (= هستیم) در حکم
فعل اسنادیه.

تشبیه بلیغ اضافی (ترکیبی)

■ در این تشبیه، یکی از طرفین تشبیه (مشبّه یا مشبّه به) به دیگری اضافه می‌شود و یک ترکیب اضافی (مضاف + مضاف‌الیه) پدید می‌آورد که «اضافه تشبیهی» هم نامیده می‌شود.

مثال

ز زهدِ خشک، لقای حبيب نثوان چید
درختِ عشق بُود آن‌که این ثمر دارد



◀ درختِ عشق ← اضافه تشبیهی (مشبّه:
عشق / مشبّه به: درخت)

» توی این بیت، «عشق» به «درخت» تشبیه شده
که میوه و ثمرش، لقای حبيب یا همون وصال
معشوقه‌ست.

مثال

دیشب به سیلِ اشک، ره خواب می‌زدم نقشی به یاد روی تو بر آب می‌زدم



◀ سیلِ اشک ← اضافه تشبیهی (مشبّه:
اشک / مشبّه به: سیل)

» شاعر، پیازداغ قضیه روزیاد کرده (!) و با
یه اغراقِ تپل و جون‌دار، «اشک» خودشو (از
نظر فراوون بودن) به «سیل» تشبیه کرده؛
تا صبح، خواب که نداشته، آروم و قرار هم
که نداشته، فقط اشک ریخته و سیل راه
انداخته و خونه‌های مردم رو برده زیر آب!!! تصویرشو ببین!

نکته: دو شرط اساسی برای ساخت اضافه تشبیهی:

- ترکیب مورد نظر حتماً باید یک ترکیب اضافی (مضاف + مضاف‌الیه یعنی ← اسم + اسم) باشد نه ترکیب وصفی (اسم + صفت).
- بین اجزای آن ترکیب اضافی (یعنی بین «مضاف» و «مضاف‌الیه») باید رابطه شباهت برقرار باشد. **به این چندتا مثال نگاه کن:**

❖ گهرِ اشک ← یک ترکیب اضافی و اضافه تشبیهی است **زیرا** ← «اشک» (مضاف‌الیه) به «گهر» (مضاف) تشبیه شده (از این نظر که اشک مانند گهر (مروارید) شفاف و درخشانده است).

❖ کتابِ علی ← یک ترکیب اضافی است اما اضافه تشبیهی نیست **زیرا** ← «کتاب» (مضاف) و «علی» (مضاف‌الیه) به یکدیگر تشبیه نشده‌اند.

ساختارهای اضافه تشبیهی

اضافه تشبیهی - به طور کلی - دارای دو ساختار متفاوت است:

- مشبّه به + مشبّه:** در این نوع، «مشبّه به» به «مشبّه» اضافه می‌شود.

❖ نام **لعل لب** جان بخش تو اندر سخنم

همچنان است که در آب روان، شیرینی

◀ «لعل لب» یک اضافه تشبیهی است که در آن، «مشبّه به» (لعل: سنگ سرخ‌رنگ و گران‌بها) به «مشبّه» (لب) اضافه شده.

❖ اغلب اضافه‌های تشبیهی، از این نوع هستند.

- مشبّه + مشبّه به:** در این نوع، «مشبّه» به «مشبّه به» اضافه می‌شود.

❖ پیش من لب چه می‌گزی که مگو؟!

لب لعلی گزیده‌ام که مپرس

◀ «لب لعل» یک اضافه تشبیهی است که در آن، «مشبّه» (لب) به «مشبّه به» (لعل) اضافه شده.



برخی از رایج‌ترین و مهم‌ترین اضافه‌های تشبیهی

آب آجل (تشبیه آجل به آب)	خوان عدل (تشبیه عدل به خوان (سفره))
آسمان سینه (تشبیه سینه به آسمان)	خورشیدِ دل (تشبیه دل به خورشید)
آفتاب فتح (تشبیه فتح به آفتاب)	خوناب شفق (تشبیه شفق به خوناب)
آفتاب نظر (تشبیه نظر به آفتاب)	دشت شب (تشبیه شب به دشت)
بادۀ مهر (تشبیه مهر به باده)	زخم انکار (تشبیه انکار به زخم)
بار خفت (تشبیه خفت به بار)	چشمه چشم (تشبیه چشم به چشمه)
باران تیر (تشبیه تیر به باران)	سمند سپیده (تشبیه سپیده به سمند)
باغ بینش (تشبیه بینش به باغ)	شاهد آرزو (تشبیه آرزو به شاهد (زیارو))
برکه خورشید (تشبیه خورشید به برکه)	صبح آزادی (تشبیه آزادی به صبح)
بوم محنت (تشبیه محنت به بوم)	فرعون تخیل (تشبیه تخیل به فرعون)
تازیانه زخم (تشبیه زخم به تازیانه)	قله بیداری (تشبیه بیداری به قله)
تخم نیکی (تشبیه نیکی به تخم)	گل صبر (تشبیه صبر به گل)
تیر جور (تشبیه جور به تیر)	گل بوسه زخم (تشبیه زخم به گل بوسه)
تیغ ستم (تشبیه ستم به تیغ)	گنج معرفت (تشبیه معرفت به گنج)
تیغ جفا (تشبیه جفا به تیغ)	گوهر محبت (تشبیه محبت به گوهر)
تیغ اجل (تشبیه اجل به تیغ)	مدار خطر (تشبیه خطر به مدار)
جام توحید (تشبیه توحید به جام)	مرغ حقیقت (تشبیه حقیقت به مرغ)
چراغ چشم (تشبیه چشم به چراغ)	معرکه قلوب (تشبیه قلوب به معرکه)
چنبر نفس (تشبیه نفس به چنبر)	منجلاب فساد (تشبیه فساد به منجلاب)
حلقه شب (تشبیه شب به حلقه)	یم قدرت (تشبیه قدرت به یم (دریا))

گلِ روی (تشبیه روی (چهره) به گل)	باغِ عشق (تشبیه عشق به باغ)
محرابِ ابرو (تشبیه ابرو به محراب)	دفترِ عشق (تشبیه عشق به دفتر)
کمندِ گیسو (تشبیه گیسو به کمند)	شهرِ عشق (تشبیه عشق به شهر)
خرمنِ زلف (تشبیه زلف به خرمن)	بلاى عشق (تشبیه عشق به بلا)
لعلِ لب (تشبیه لب به لعل)	بیرقِ عشق (تشبیه عشق به بیرق)
دریایِ دل (تشبیه دل به دریا)	شرابِ عشق (تشبیه عشق به شراب)
صدفِ دل (تشبیه دل به صدف)	سفرِ عشق (تشبیه عشق به سفر)
خانهٔ دل (تشبیه دل به خانه)	آتشِ عشق (تشبیه عشق به آتش)
دُرّ دندان (تشبیه دندان به دُر)	بذرِ عشق (تشبیه عشق به بذر)
گلستانِ جهان (تشبیه جهان به گلستان)	مسِ وجود (تشبیه وجود به مس)
سیلِ فنا (تشبیه فنا به سیل)	خرمنِ وجود (تشبیه وجود به خرمن)
تیرِ آه (تشبیه آه به تیر)	آئینهٔ چشم (تشبیه چشم به آئینه)
سپهرِ دیده (تشبیه دیده به سپهر)	مَنْظِرِ چشم (تشبیه چشم به مَنْظِر)
مرغِ دل (تشبیه دل به مرغ)	خانهٔ عمر (تشبیه عمر به خانه)
بارِ غم (تشبیه غم به بار)	خارِ غم (تشبیه غم به خار)
سیلابِ غم (تشبیه غم به سیلاب)	خنجرِ غم (تشبیه غم به خنجر)
صدفِ تن (تشبیه تن به صدف)	کوهِ غم (تشبیه غم به کوه)
صدفِ دهان (تشبیه دهان به صدف)	سیلِ اشک (تشبیه اشک به سیل)
گوهرِ جان (تشبیه جان به گوهر)	بارِ امانت (تشبیه امانت به بار)
زندانِ قفس (تشبیه قفس به زندان)	دودِ آه (تشبیه آه به دود)
چاهِ عالم (تشبیه عالم (دنیا) به چاه)	مهرِ رخ (تشبیه رخ به مهر (خورشید))



باران ستاره (تشبیه ستاره به باران)	خانه جهان (تشبیه جهان به خانه)
چراغ هدایت (تشبیه هدایت به چراغ)	دام جسم (تشبیه جسم به دام)
بارِ دانش (تشبیه دانش به بار (میوه و ثمره))	برقِ بلا (تشبیه بلا به برق و صاعقه)
مزرع سبزِ فلک (تشبیه فلک به مزرع سبز)	بندِ بلا (تشبیه بلا به بند)
تیرِ سخن (تشبیه سخن به تیر)	دام بلا (تشبیه بلا به دام)
سرابِ ناامیدی (تشبیه ناامیدی به سراب)	بهارِ عمر (تشبیه عمر به بهار)
صحرایِ عدم (تشبیه عدم به صحرا)	رشتهٔ فکر (تشبیه فکر به رشته)
زندانِ عالم (تشبیه عالم به زندان)	بحرِ فکر (تشبیه فکر به بحر)
دامِ زندگی (تشبیه زندگی به دام)	کلاهِ اقبال (تشبیه اقبال به کلاه)
قدحِ لاله (تشبیه لاله به قدح (جام))	باغِ جان (تشبیه جان به باغ)
رشتهٔ عمر (تشبیه عمر به رشته)	حصارِ بردباری (تشبیه بردباری به حصار)
گوهرِ عمر (تشبیه عمر به گوهر)	شرابِ وصل (تشبیه وصل به شراب)
گوهرِ دیده (تشبیه دیده (چشم) به گوهر)	هلالِ ابرو (تشبیه ابرو به هلال)
قطرهٔ اندیشه (تشبیه اندیشه به قطره)	تیرِ مژگان (تشبیه مژگان (مژه‌ها) به تیر)
آتشِ شوق (تشبیه شوق به آتش)	کمندِ نظر (تشبیه نظر به کمند)
خاکِ وجود (تشبیه وجود به خاک)	سلسلهٔ زلف (تشبیه زلف به سلسله (زنجیر))
داسِ مهِ نو (تشبیه مهِ نو به داس)	سروِ قد (تشبیه قد (قامت) به سرو)
قطرهٔ دانش (تشبیه دانش به قطره)	درختِ مهربانی (تشبیه مهربانی به درخت)
کمانِ ابرو (تشبیه ابرو به کمان)	کوهِ صبر (تشبیه صبر به کوه)

بیشتر بدانیم

☞ دو نوع تشبیه دیگه هم داریم که اگر چه توی کتابای درسی بهشون هیچ اشاره‌ای نشده، اما همیشه توی کنکور نقش پررنگ دارن. پس بهشون خوب توجه داشته باش:

① **تشبیه مُضمَر (پنهان):** بیت، ظاهراً تشبیه‌ی ندارد و هیچ نشانی هم از ادات تشبیه و وجه‌شبه نیست، اما در حقیقت، به صورت پنهان، یک چیز به چیز دیگری تشبیه می‌شود.

☞ **مژگان تو خنجر به رخ ماه کشیده**

ابروت زده بر سر خورشید کمان را

☞ **تو نگاهِ اوّل،** به نظر می‌رسه که توی این بیت هیچ تشبیه‌ی نیست **اما در واقع** ← توی هر دو تا مصراع، «تشبیه مُضمَر» به کار رفته؛ **به این صورت که** ← وقتی شاعر می‌گه «مژگان تو خنجر به رخ ماه کشیده» منظورش اینه که «مژگان (مژه‌های) تو مِثِ خنجر هستن که به رخ (چهره) هم چون ماهت کشیده شدن» (تازه این جا «رخ ماه» اضافه تشبیه‌ی هم هست **یعنی** ← رخ هم چون ماه).

از طرفی، توی مصراع دوم، «خورشید» استعاره از «چهره» معشوقه؛ **پس** ← وقتی شاعر می‌گه «ابروت، کمان به سر خورشید زده» یعنی «ابروی هلالی تو مِثِ کمان، روی چهره چون خورشیدت نقش بسته».

② **تشبیه مرجح (تفضیل):** در این تشبیه، «مشبه» به «مشبه‌به» تشبیه می‌شود و حتی بر آن ترجیح داده می‌شود؛ **به این صورت که** ← شاعر، وجه‌شبه را برخلاف معمول، به جای آن که در «مشبه‌به» قوی‌تر بداند، در «مشبه» قوی‌تر می‌خواند.

☞ **ای ز لعل لب تو چاشنی قند و شکر!**

وی ز نور رخ تو روشنی شمس و قمر!

☞ توی ادبیات غنایی، «لب» معشوق به «قند و شکر و لعل و یاقوت و ...»



تشبیه می‌شه و «چهره یا رُخش» هم به «شمس و قمر و گل و ...» تشبیه می‌شه. از طرفی، می‌دونی که «شیرینی» توی «قند و شکر» و همین‌طور «روشنی و نورانی بودن» توی «شمس و قمر» قوی‌تره. توی این بیت، شاعر خطاب به معشوقش می‌گه «قند و شکر، شیرینی خودشونو از لب لعل گون تو گرفتن و شمس و قمر هم روشنی و نورشونو از نور چهره تو وام گرفتن»؛ **در واقع** «لب» معشوق رو به «قند و شکر» و «چهره» اونو، به «شمس و قمر» تشبیه کرده و حتی به اونا ترجیح داده. **»** یه مثال دیگه ببین:

❁ **چو ماه بود و چو سرو و نه ماه بود و نه سرو**

قبا نپوشد سرو و کله ندارد ماه

» شاعر «معشوق» خودش رو که قبای (لباس) زیبایی به تن کرده و کلاهی هم به سر گذاشته، به «ماه» و «سرو» تشبیه کرده اما به اونا هم ترجیحش داده و گفته که «ماه و سرو به زیبایی معشوق من نیستن؛ چون ماه آسمون بی کلاهه و سرو هم بی قباست و اون جذابیتی که یار من داره، اینا ندارن».

نمونه‌های تشبیه

» اول چندتا نمونه از «تشبیه گسترده» ببینیم:

① دلیری کجا نام او اشکبوس

همی بر خروشید بر سانِ کوس (۱۲/۱)

◀ مشبه: اشکبوس / مشبه‌به: کوس / وجه‌شبهه: بر خروشیدن /
ادات تشبیه: بر سان

② کزین پس نشینم به کنجی چو مور

که روزی نخوردند پیلان به زور (۱۷/۲)

◀ مشبه: — (= من) / مشبه‌به: مور / وجه‌شبهه: به کنجی نشستن /
ادات تشبیه: چو

③ آمد سوی کعبه سینه پر جوش

چون کعبه نهاد حلقه در گوش (۶/۲)

◀ مصراع دوم ← مشبه: او / مشبه‌به: کعبه / وجه‌شبهه: حلقه در گوش نهادن /
ادات تشبیه: چون

۴ می گفت گرفته حلقه در بر / کامروز منم چو حلقه بر در (۶/۲)

◀ مشبه: من / مشبه‌به: حلقه / وجه‌شبهه: بر در بودن / ادات تشبیه: چو

۵ گرت ز دست برآید، چو نخل باش کریم

وَرَت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد (۸/۲)

◀ ۱- مصراع اول ← مشبه: ت (=تو) / مشبه‌به: نخل / وجه‌شبهه: کریم بودن /

ادات تشبیه: چو ۲- مصراع دوم ← مشبه: ت (=تو) / مشبه‌به: سرو / وجه‌شبهه:

آزاد بودن / ادات تشبیه: چو

۶ رها شد ز بند زره موی او

درفشان چو خورشید شد روی او (۱۳/۲)

◀ مشبه: روی او / مشبه‌به: خورشید / وجه‌شبهه: درفشان (درخشان) شدن /

ادات تشبیه: چو

۷ درفشان لاله در وی چون چراغی

ولیک از دود او بر جانش داغی (۱۵/۲)

◀ مشبه: لاله / مشبه‌به: چراغ / وجه‌شبهه: درفشان (درخشان) بودن / ادات

تشبیه: چون

۸ چون ابروی معشوقان، با طاق و رواق است

چون روی پری رویان، با رنگ و نگار است (۸/۳)

◀ ۱- مصراع اول ← مشبه: - [=آن] / مشبه‌به: ابروی معشوقان / وجه‌شبهه: با

طاق و رواق بودن / ادات تشبیه: چون ۲- مصراع دوم ← مشبه: - [=آن] /

مشبه‌به: روی پری رویان / وجه‌شبهه: با رنگ و نگار بودن / ادات تشبیه: چون

۹ بگرای چو ازدهای گرز

بخروش چو شَرزه شیر ارغند (۵/۳)

◀ مصراع اول ← مشبه: — (=تو) / مشبه‌به: ازدهای گرز / وجه‌شبهه:

گراییدن / ادات تشبیه: چو



◀ مصراع دوم ← مشبّه: — (= تو) / مشبّه‌به: شرزه شیر / وجه‌شبهه:
خروشیدن / ادات تشبیه: چو

⑩ گرچه بیرون تیره بود و سرد هم‌چون ترس / قهوه‌خانه گرم و روشن بود
هم‌چون شرم (۱۳/۳)

◀ مشبّه: بیرون / مشبّه‌به: ترس / وجه‌شبهه: تیره و سرد / ادات تشبیه: هم‌چون
◀ مشبّه: قهوه‌خانه / مشبّه‌به: شرم / وجه‌شبهه: گرم و روشن / ادات تشبیه: هم‌چون

⑪ همگان خاموش / گرد بر گردش، به کردارِ صدف بر گرد مروارید... (۱۳/۳)
◀ مشبّه: همگان / مشبّه‌به: صدف / وجه‌شبهه: گرد بر گرد چیزی بودن /
ادات تشبیه: به کردار

⑫ لب تا در لطافت لاله‌ی سیراب را ماند
دلَم در بی‌قراری چشمه‌ی سیماب را ماند
◀ مصراع اول ← مشبّه: لب / مشبّه‌به: لاله‌ی سیراب / وجه‌شبهه: لطافت /
ادات تشبیه: ماند

◀ مصراع دوم ← مشبّه: دلَم / مشبّه‌به: چشمه‌ی سیماب (جیوه) / وجه‌شبهه:
بی‌قراری / ادات تشبیه: ماند

⑬ عقده‌ای هرگز نکردم باز از کار کسی
در چمن، بی‌کار چون دست چنار افتاده‌ام
◀ مشبّه: شناسه‌ی «ام» در «افتاده‌ام» / مشبّه‌به: دست چنار / وجه‌شبهه:
بی‌کار افتادن / ادات تشبیه: چون

🗨️ نمونه‌های بعدی همشون «تشبیه بلیغ (فشرده)» هستن:

⑭ گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو کشت
گفتا تو بندگی کن کاو بنده‌پرور آید (۶/۱)

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← نوش لعل (لعل: مشبه / نوش (عسل): مشبه به)

⑮ مگر از کدام باده مهر مست بودی / که با تازیانه هشتاد زخم / بر خود حد زدی؟
(۸/۱)

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- باده مهر (مشبه: مهر / مشبه به: باده) ۲- تازیانه زخم (مشبه: زخم / مشبه به: تازیانه)

⑯ خورشید آسمان و زمین، نور مشرقین
پرورده کنار رسول خدا، حسین (۹/۱)
◀ تشبیه بلیغ اسنادی ← ۱- حسین (ع) خورشید آسمان و زمین [است].
(مشبه: حسین (ع) / مشبه به: خورشید) ۲- حسین (ع) نور مشرقین [است].
(مشبه: حسین (ع) / مشبه به: نور مشرقین)

⑰ کنون رود خلق است دریای جوشان
همه خوشه خشم شد خرمن من (۱۱/۱)
◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- رود خلق (مشبه: خلق / مشبه به: رود) ۲- خوشه خشم (مشبه: خشم / مشبه به: خوشه)
◀ تشبیه بلیغ اسنادی ← ۱- رود خلق دریای جوشان است. (رود خلق: مشبه / دریای جوشان: مشبه به) ۲- خرمن من خوشه خشم شد. (مشبه: خرمن من / مشبه به: خوشه خشم)

⑱ کدام دانه فرورفت در زمین که نرُست؟!
چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟ (۳/۲)
◀ تشبیه بلیغ اضافی ← دانه انسان (مشبه: انسان / مشبه به: دانه)

⑲ پس از ابر کرم، باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد. (۷/۲)
◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- ابر کرم (مشبه: کرم / مشبه به: ابر) ۲- باران محبت (مشبه: محبت / مشبه به: باران)



۲۰ جز تو که فرات، رَشحه‌ای از بَمِ توست

دریا نشنیدم که کشد مَشک به دوش (۱۰/۲)

◀ تشبیه بلیغ اسنادی ← فرات، رَشحه‌ای است. (مشبه: فرات / مشبه‌به: رَشحه)
 ۳۱ البتّه شاعر، ممدوح خودش (حضرت ابوالفضل (ع)) رو در قالب تشبیه پنهان (مُضمّر) به «دریا» تشبیه کرده؛ به این صورت: «دریایی جز تو» نشنیدم (= سراغ ندارم) که مَشک به دوش کِشد (یعنی «تو دریایی»).

۲۱ هرکاو شرابِ فُرقتِ روزی چشیده باشد

داند که سخت باشد قطع امیدواران (۹/۳)

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← شرابِ فُرقت (مشبه: فرقت / مشبه‌به: شراب)

۲۲ دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی (۲/۳)

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- مس وجود (مشبه: وجود / مشبه‌به: مس)
 ۲- کیمیای عشق (مشبه: عشق / مشبه‌به: کیمیا) ۳۲ کیمیا: جوهریه که ماهیت اجسام رو تغییر می‌ده و متعالی می‌سازه.

۲۳ ای نسخه نامۀ الهی، که تویی

وی آینه جمالِ شاهی که تویی (۱۴/۳)

◀ تشبیه بلیغ اسنادی ← ۱- تو نسخه نامۀ الهی هستی. (مشبه: تو / مشبه‌به: نسخه نامۀ الهی)
 ۲- تو آینه جمالِ شاهی هستی. (مشبه: تو / مشبه‌به: آینه جمالِ شاهی)

۲۴ بارانِ رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی دریغش همه جا

کشیده. (۱/۳)

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- بارانِ رحمت (مشبه: رحمت / مشبه‌به: باران)
 ۲- خوانِ نعمت (مشبه: نعمت / مشبه‌به: خوان (سفره))

۲۵) فرّاشِ باد صبا را گفته تا فرشِ زمردین بگسترَد و دایه‌ی ابر بهاری را فرموده تا بناتِ نبات در مهدِ زمین پیورَد. (۱/۳)

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- فرّاشِ باد صبا (مشبّه: باد صبا / مشبّه‌به: فرّاش (فرش گستر)) ۲- دایه‌ی ابر بهاری (مشبّه: ابر بهاری / مشبّه‌به: دایه) ۳- بناتِ نبات (مشبّه: نبات (گیاه) / مشبّه‌به: بنات (دختران)) / مهدِ زمین (مشبّه: زمین / مشبّه‌به: مهد)

۲۶) درختان را به خلعتِ نوروزی، قبایِ سبزِ ورق در بر گرفته و اطفالِ شاخ را به قُدومِ موسمِ ربیع، کلاهِ شکوفه بر سر نهاده. (۱/۳)

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- قبایِ سبزِ ورق (مشبّه: ورق (= برگ) / مشبّه‌به: قبای سبز) ۲- اطفالِ شاخ (مشبّه: شاخ (= شاخه) / مشبّه‌به: اطفال) ۳- کلاهِ شکوفه (مشبّه: شکوفه / مشبّه‌به: کلاه)

۲۷) تو کیستی که صدایت به آب می ماند؟ تبسمت به گلِ آفتاب می ماند

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← گلِ آفتاب (مشبّه: آفتاب / مشبّه‌به: گل)

” به جزاین، دو تا تشبیه کامل (گسترده) هم توبیت هست:

۱- تشبیه صدا به آب ۲- تشبیه تبسم به گلِ آفتاب

۲۸) زنی که گوهرِ تعلیم و تربیت نخرید

فروخت گوهرِ عمرِ عزیز را ارزان

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- گوهرِ تعلیم و تربیت (مشبّه: تعلیم و تربیت /

مشبّه‌به: گوهر) ۲- گوهرِ عمر (مشبّه: عمر / مشبّه‌به: گوهر)

۲۹) تو همه ماهی و خورشیدی و ابری و نسیم

من خزان دیده و پژمرده گلی در چمنم

◀ تشبیه بلیغ اسنادی ← ۱- تو ماهی (ماه هستی) ۲- تو خورشیدی ۳- تو

ابری ۴- تو نسیمی ۵- من گل خزان دیده و پژمرده هستم.



۳۰ شعاع آفتابم من اگر در کوچه‌ها گردم

عقیق و زرّ و یاقوت‌م، ولادت ز آب و طین دارم

◀ تشبیه بلیغ اسنادی ← ۱- من (= م) شعاع آفتاب هستم. ۲- من عقیق هستم. ۳- من زرّ هستم. ۴- من یاقوت هستم.

۳۱ نام یاقوتِ لب‌ت بر خاتمِ دل‌کنده‌ام اسم اعظم را نوشتم بر نگین تازه‌ای

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- یاقوتِ لب (مشبّه: لب / مشبّه‌به: یاقوت)

۲- خاتمِ دل (مشبّه: دل / مشبّه‌به: خاتم)

۳۲ سوزی که برابر جگر از آتش عشق است

جز شربت مرگش نبود هیچ دوائی

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- آتش عشق (مشبّه: عشق / مشبّه‌به: آتش)

۲- شربت مرگ (مشبّه: مرگ / مشبّه‌به: شربت)

۳۳ سر من مستِ جمالت، دل من رام خیالت

گهر دیده نثار کفِ دریای تو دارد

◀ تشبیه بلیغ اضافی ← ۱- گهرِ دیده (مشبّه: دیده / مشبّه‌به: گهر) ۲- کفِ

دریا (مشبّه: کف (: دست) / مشبّه‌به: دریا)

پنج تست تشبیه



۱. در منظومه زیر چند تشبیه وجود دارد؟ (تجربی ۹۴)

«مرا هر لفظ فریادی است کز دل می کنم بیرون / مرا هر شعر دریایی است لبریز از شراب خون / کجا شهادت این اشکی که در هر دانه لفظ است / مرا این، کاسه خون است، / چنین آسان منوشیدش.»

(۱) سه (۲) چهار (۳) پنج (۴) شش

۲. در کدام بیت، هر دو تشبیه بلیغ (اسنادی و اضافی) وجود دارد؟ (انسانی ۹۴)

(۱) ای در کمند زلفک تو حلقه‌ی فریب وی در کمان ابروی تو ناوک حیل
(۲) دیوان حافظی تو و دیوانه‌ی تو من اما پری به دیدن دیوان نیامدی
(۳) من آن شهرم که سیلاب محبت ساخت ویرانم تو آن گنجی که در ویرانه‌ی دل‌ها وطن داری
(۴) عارض گلگون بنما، دم ز گلستان چه زنی؟ سنبل مشکین بگشا دسته‌ی ریحان چه کنی؟

۳. در کدام بیت، «وجه شبه»، محذوف است؟ (زبان ۹۴)

(۱) ز شرم چهره چون آفتاب اندر صبح ستاره خون شود از چشم آسمان بچکد
(۲) ناتوان بودم به بویش نیم شب برخاستم تا به کویش چون نسیم افتان و خیزان آمدم
(۳) مقام کعبه وصل تو دور افتاده است از ما نه ساز رفتن است آنجا مرا نه برگ نارفتن
(۴) آتشین داری زبان زان دل سیاهی چون چراغ گرد خود گردی از آن تردامنی چون آسیا

۴. آرایه تشبیه در کدام بیت بیشتر است؟ (ریاضی ۹۳)

(۱) صد خار بلا از دل دیوانه ما خاست هر روز که بی ساقی گل چهره نشستیم
(۲) ای سیل اشک! خاک وجودم به باد ده تا بر دل کسی ننشیند غبار من
(۳) سروی است قامت تو از ناز سر کشیده ماهی است عارض تو از نور آفریده
(۴) مرغ دل تا دام زلف و دانه خال تو دید طایر اندیشهام افتاد در دام هوس

۵. در کدام گزینه، همه ترکیب‌ها «اضافه تشبیهی» است؟ (ریاضی ۸۹)

(۱) گوشه کلاه - روی ماه - روی تعظیم - قبه عرش
(۲) ابروی بندگان - جمال عشق - اوج بلاغت - تقصیر خویش
(۳) دروگر زمان - عصارة تاک - شهادت فایق - موسم ربیع
(۴) بنات نبات - بحر مکاشفت - مهد زمین - تیر مژگان



۱۱۰. در کدام بیت همه‌ی آرایه‌های «تشخیص، ایهام، استعاره، کنایه» وجود دارد؟
(ریاضی ۸۷)

(۱) زنده کنند و باز پر و بال نو دهند
(۲) گل را مدد رسید ز گلزار روی دوست
(۳) امروز روز شادی و امسال، سال گل
(۴) جامه‌دران رسید گل از بهر داد ما

هر چند برکنید شما پر و بال گل
تا چشم ما نبیند دیگر زوال گل
نیکوست حال ما که نکو باد حال گل
زان می‌دریم جامه به بوی وصال گل

۱۱۱. در کدام بیت هر سه آرایه‌ی «جناس، تشبیه، پارادوکس» موجود است؟
(انسانی ۸۷)

(۱) الف قد تو پیش همه مقبول افتاد
(۲) شکسته‌رنگی من، عشق را به رحم آورد
(۳) هرچه ز نیک و بد است چون همه در دست اوست
(۴) برگ من بی‌برگی است و بار، بار خاطر است

این نه حرفی است که بر وی قلم رد باشد
به زر هر آن‌چه برآید به زور نتوان کرد
بر من مسکین چرا خطا خطا می‌کشد؟
باد یا رب! روزی برق بلا برگ و برم

تیب ۲

۱۱۲. در بیت زیر همه‌ی آرایه‌ها، به جز به کار رفته است. (ریاضی ۸۶)

«رفت آن تازه‌گل و ماند به دل خار غمش گل کجا جلوه‌گر و سرزنش خار کجاست؟»

(۱) ایهام (۲) تشخیص (۳) تشبیه (۴) استعاره

۱۱۳. در بیت زیر کدام آرایه وجود ندارد؟ (تجربی ۸۶)

«رسید باد صبا، غنچه در هواداری ز خود برون شد و بر تن درید پیراهن»

(۱) تشخیص (۲) تلمیح (۳) کنایه (۴) استعاره

۱۱۴. کدام آرایه‌ها «تماماً» در بیت زیر وجود دارد؟ (تجربی ۹۵)

«ماه و پروین از خجالت رخ فرو پوشد اگر آفتاب آسا کند در شب تجلی روی تو»

(۱) مجاز - کنایه - تشبیه - استعاره (۲) استعاره - تلمیح - حسن تعلیل - تشبیه

(۳) مجاز - اسلوب معادله - تضاد - کنایه (۴) تشخیص - حسن تعلیل - جناس - متناقض‌نما

۱۱۵. آرایه‌های موجود در بیت زیر، کدام است؟ (هنر ۹۵)

«در حقیقت تنگدستی مایه‌ی دیوانگی است در چمن بید از غم بی‌حاصلی مجنون شود»

(۱) تشبیه - تضاد - کنایه (۲) حسن تعلیل - ایهام تناسب - اسلوب معادله

(۳) کنایه - حسن تعلیل - تلمیح (۴) جناس - اسلوب معادله - تلمیح

۱۱۶. آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

(زبان ۹۵)

«لب ببستم ز سخن ای گل خندان که مباد مردمان بوی تو یابند ز رنگ سخنم»

- (۱) ایهام، حسن تعلیل، کنایه
 (۲) استعاره، حسن آمیزی، کنایه
 (۳) استعاره، ایهام تناسب، تشبیه
 (۴) ایهام، تشبیه، حسن آمیزی

۱۱۷. آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

(تجربی ۹۴)

«گردد از دست نوازش پایه معنی بلند مور را شیرین سخن دست سلیمان کرده است»

- (۱) کنایه، حسن آمیزی، تضاد، مجاز
 (۲) کنایه، تشخیص، حسن تعلیل، جناس تام
 (۳) استعاره، حسن آمیزی، مجاز، اسلوب معادله
 (۴) استعاره، تلمیح، اسلوب معادله، حسن تعلیل

۱۱۸. در بیت: «مکن عیبم که می‌کاهم چو ماه از تاب مهر او / که گر ماهی تب

هجرتش کشد کوهی شود کاهی» کدام آرایه‌ها وجود ندارد؟

(خارج از کشور ۹۴)

- (۱) کنایه، تشبیه، تضاد
 (۲) استعاره، ایهام، حسن تعلیل
 (۳) مجاز، تناقض، حسن آمیزی
 (۴) ایهام تناسب، تشخیص، مراعات نظیر

۱۱۹. آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

(ریاضی ۹۳)

«هرچند زمین‌گیر بود دانه امید دست کرم ابر گهربار بلند است»

- (۱) کنایه، تشبیه، مجاز، ایهام
 (۲) مجاز، استعاره، حسن تعلیل، کنایه
 (۳) استعاره، تشبیه، جناس، تشخیص
 (۴) ایهام، تشخیص، حسن تعلیل، جناس

۱۲۰. آرایه‌های همه گزینه‌ها به استثنای گزینه در بیت زیر تماماً وجود

(انسانی ۹۳)

دارد.

«تا اثر از نقش پای ناقه لیلی به جاست دامن صحرا بر این دیوانه دامن گلی است»

- (۱) کنایه، ایهام، تلمیح
 (۲) تشبیه، تشخیص، جناس
 (۳) استعاره کنایی، تلمیح، تشبیه
 (۴) استعاره، مراعات نظیر، تشخیص

۱۲۱. کدام آرایه‌ها در بیت زیر، تماماً موجود است؟

(هنر ۹۳)

«هستند بی‌قرار چو زلف تو عالمی تا دیده دید در خم زلفت قرار حسن»

- (۱) تشخیص، اغراق، مراعات نظیر، کنایه، ایهام تناسب
 (۲) ایهام تناسب، مجاز، تضاد، تشبیه، مراعات نظیر
 (۳) تشبیه، کنایه، ایهام تناسب، جناس، تشخیص
 (۴) مجاز، تشبیه، اغراق، جناس، تضاد

۱۲۲. آرایه‌های بیت «مشو غمگین در میخانه را گر محتسب گل زد / که جوش

(زبان ۹۳)

گل شراب لعل فام آورد مستان را» کدام‌اند؟

- (۱) کنایه، جناس، استعاره، تشبیه
 (۲) تشبیه، استعاره، مجاز، جناس تام
 (۳) کنایه، مجاز، حسن تعلیل، جناس تام
 (۴) تشبیه، مراعات نظیر، جناس، اسلوب معادله



۱۱. گزینه ۲ بررسی آرایه تشخیص در شعر: ۱- قدم خواهش (این که خواهش بتواند قدم بزند، تشخیص است.) ۲- پای خون (نسبت دادن «پا» به «خون» تشخیص است.) ۳- تپش قلب شب (این که «شب» قلب داشته باشد و قلب او بتپد، تشخیص است.) ۴- کفش ایمان (نسبت دادن «کفش» به «ایمان» تشخیص است.) ۵- پلک تر عشق (این که «عشق»، پلک داشته باشد و بتواند بگرید و پلکش تر شود، تشخیص است.)

دقت کنیم! اگرچه در این منظومه - به شرحی که گذشت - تنها ۵ بار آرایه تشخیص به کار رفته، اما هیچ بعید نیست که طراح محترم سؤال، «شیهه پاک حقیقت» را نیز - که در اصل، یک استعاره کنایی (مکنیه) است - تنها به این دلیل که نوعی جان بخشی به اشیا و مفاهیم بی جان به شمار می‌رود - تشخیص دانسته و مجموع تشخیص‌های منظومه را ۶ مورد (گزینه ۳) دانسته باشد.

۱۲. گزینه ۱ پیشانی خاک: تشخیص / بوسه نهادن اشک‌ها: تشخیص

۱۳. گزینه ۱ سایر گزینه‌ها: ۲) ای صبحدم: تشخیص ۳) دروغ‌زن (دروغگو) بودن باد صبا: تشخیص ۴) دست هوا: تشخیص

۱۴. گزینه ۴ سایر گزینه‌ها: ۱) باغ، سر به سوی آسمان کرده بود: تشخیص ۲) نسبت دادن صفت «مغرورانه» و نیز عمل «شکافتن سینه دریا» به «کشتی»: تشخیص / سینه دریا: اضافه استعاری و تشخیص ۳) رخ ژاله بامدادی: اضافه استعاری و تشخیص / نسبت دادن عمل «بوسه زدن» به «گل سرخ» و «زنبق»: تشخیص

۱۵. گزینه ۳ تیغ بارد: استعاره مکنیه (تیغ مانند باران می‌بارد.) سایر گزینه‌ها: ۱) دریا آغوش برگشود: تشخیص ۲) مخاطب واقع شدن «سرو» (ای سرو): تشخیص / نسبت دادن «پا» و نیز عمل «نازیدن» (مناز) به «سرو»: تشخیص ۴) بر (آغوش) نیلوفر: تشخیص / این شاخ گل در بر (آغوش) گل نیلوفر برود: تشخیص / رقصیدن گلنارها: تشخیص

۱۶. گزینه ۲ سایر گزینه‌ها: ۱) گوش: مجاز از «انسان» (گوش: جزئی از انسان است.) ۳) بیت: مجاز از «شعر» (بیت جزئی از شعر است.) ۴) الحمد: مجاز از «سوره الحمد یا فاتحة الكتاب» (الحمد جزئی از آیه ۱ سوره الحمد است.)